

نسل جوان

در یافته‌های جمعیت‌شناختی تهران

دکتر ناصر تکمیل همایون*

درآمد

بی‌تردید از کهن‌ترین روزگار، مسأله اجتماعی جوانان و نوجوانان در چارچوب نظام فرهنگی و ورزشی ایران، مورد توجه بوده است. نهادهای آموزشی و بنیادهای پهلوانی (ورزشی و دفاعی) در ایران باستان و گزیده‌های اسلامی شده، پاره‌ای از همان وظیفه‌های اجتماعی، در ایلها و روستاها، هماهنگ با آموزشهای نوین دیانت (=مذهبا و طریقتها) و پیوندهای گوناگون با سازمانهای اجتماعی - اخلاقی «فتوت» و «عیاری» در مجامع مختلف سنتی شهرها (با برخورداری از ریشه‌های روستایی) عهده‌دار تعلیم و هدایت و ارشاد جوانان در مسجدها و مدرسه‌ها و خانقاهها و زورخانه‌ها و جز اینها، به سوی ارزشهایی بودند که کلیت جامعه ایرانی مسلمان آنرا پذیرفته بود.

برخوردهای ناهماهنگ با مغرب زمین و فروریختگی بخشهایی از نهاد فرهنگی و ارزشی ایران و ورود پاره‌ای ارزشهای برون‌جامع‌ای، متعلق به قاره‌های اروپا و امریکا در دوره‌های خاص فترت و ناتوانی سیاسی، وضعی را پیش آورد که کارایی نظام ارشادی جوانان به شیوه‌های سنتی متزلزل گردید و بی‌آنکه یکباره بگونه غربی درآید، آنچنان نابسامانی یافت که نهاد حکومتی کشور (گاه وابسته به کانونهای قدرت در برون مرزها بطور مستقیم یا غیرمستقیم) با ایجاد سازمانهای جدید غرب‌گرایانه،

چون پرورش افکار، خانه جوانان و جز اینها، اما بی‌ارتباط با بنیادهای کهن ارزشی و فرهنگی جامعه، آموزش جوانان و ساختن الگوهای ارزشی (و سیاسی) آنان را عهده‌دار کرده که بر روی هم انقلاب اسلامی ملت ایران و شرکت گسترده جوانان در آن روند دگرگون ساز، نامتناسب بودن سازمان‌سازیهای دولتی و عدم کارایی اجتماعی - فرهنگی آنها را آشکار ساخت.

در این گفتار، این امر اجتماعی از دو منظر، بوم‌شناختی (= اکولوژیک)⁽¹⁾ و جمعیت‌شناختی (= دموگرافیک)⁽²⁾ در جامعه‌ای نمونه (= تهران) و در پیوند نسبی با کل کشور مورد بررسی کوتاه قرار گرفته است و با نگاهی عام بر تاریخ تحولات جمعیت در این شهر و ریشه‌یابی‌های جامعه‌شناختی تحولات پدید آمده شهری در دو سده اخیر، با برخورداری از تحلیلهای جدید اندیشه‌گران سیاسی و روشن‌بین مدلل گردیده که همه وقایع دو ساله اخیر، رویکردهای حکومتی و دولتی نبوده و آنچه امروز در صحنه اجتماعی ایران می‌گذرد، با همه زیباییها و زشتیها دنباله کردار و رویدادهای بهنجاری یا نابهنجاری است که ریشه در تاریخ اجتماعی معاصر ایران و رشد کمی و کیفی جمعیت آن دارد. به زبان دیگر، رویداد دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، خود پدیده و معلول حرکت‌های تاریخ ساخته‌ای است که با عنایت عالمانه و کارساز می‌تواند سرآغاز دگرگونیهای ژرف اجتماعی و فرهنگی ایران آینده به شمار آید.

۱- از قلعه‌ای نیمه‌نظامی "تا آغاز" پایتخت مشروطیت

جمعیت قلعه شاه تهماسبی تهران در سال ۱۲۱۲ قمری (۱۷۹۸ م.) همزمان با درگذشت آقا محمد خان قاجار، ۱۵۰۰۰ تن تخمین زده شده و همین عدد بر پایه گزارش ژنرال گاردان فرانسوی⁽³⁾ در عهد فتحعلی شاه به ۵۰/۰۰۰ تن رسیده است.

1- Echologique

2- Demographique

3- Gen. GARDANE

سر ویلیام اوزلی^(۱) در سالهای ۲۷ - ۱۲۲۵ قمری (۱۲ - ۱۸۱۱ م) جمعیت این شهرک سنتی «پایتخت شده» را در زمستانها ۶۰/۰۰۰ و در تابستانها ۴۰/۰۰۰ تن نوشته است. این جمعیت در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه از مرز ۱۰۰/۰۰۰ تن گذشته و در سال ۱۲۷۲ قمری (۱۸۵۵ م) فرهاد میرزا معتمدالدوله در اثر مشهور خود با عنوان جام جم تعداد ساکنان تهران را ۱۲۰/۰۰۰ تن تخمین زده است.

میرزا عبدالغفار نجمالدوله در سال ۱۲۸۴ قمری (۱۸۶۸ م) پس از ویرانی قلعه شاه تهماسب صفوی و بنای دارالخلافه ناصری این شمار را به ۱۵۵/۰۰۰ تن رسانده است. در سال ۱۲۸۶ قمری (۱۸۶۹ م) همین رقم را ۱۶۰/۰۰۰ تن نوشته‌اند که در حدود ۱/۱ آن بیرون شهر زندگی می‌کردند. پانزده سال پس از این تاریخ در سال ۱۳۰۱ قمری (۱۸۸۴ م) در نوعی سرشماری کم‌وبیش روشن که توسط سید شفیع خان میرفخرایی (مدیر لشکر) انجام شد، جمعیت تهران به دلایلی کاهش یافته بود و در داخل دارالخلافه فقط ۱۰۶/۴۸۲ تن (در هر ده هزار متر مربع ۲۳/۱ تن) سکونت داشته‌اند و در سال ۱۳۰۹ قمری (۱۸۹۲ م) در همان فضای داخل خندق بر پایه دومین احصای نجمالدوله جمعیت ساکن در تهران به ۱۶۶/۰۰۰ (در هر ده هزار متر مربع ۶۷/۱ تن) زندگی می‌کردند.

با آنکه تحلیل دقیق دموگرافیک شهر تهران در آن زمان مشکل به نظر می‌آید، اما با نوعی شمارانگاری نسبی، ساکنان میان ۱۵ تا ۴۰ ساله این شهر را که نوجوانان و جوانان هستند، می‌توان در محور ۱/۱ جمعیت قرار داد که با در نظر گرفتن نظام سنی حیات اجتماعی، کمیت مزبور در محدوده آن روزگار تهران، همسان دیگر شهرهای کشور بطور خاصی مسأله آفرین نبوده است.

۲ - «از پایتخت قانونی» تا ابتدای کلانشهری»

پس از پیروزی انقلاب ملی مشروطیت و تشکیل «بلدیه قانونی» تحولاتی در تهران حادث شد و این امر تا پایان سلطنت قاجاریه استمرار یافت. در پی کودتای ۱۲۹۹

خورشیدی و پدید آوردن «بلدیه جدید نظامی» نشانه‌های چشمگیرتری از شناخت جمعیت تهران در سال ۱۳۰۱ خورشیدی مشهود گردید و برآن پایه ساکنان تهران ۲۱۰/۰۰۰ تن برآورد شدند.

این تغییر اندک نشان دهنده آن است که از آغاز انقلاب مشروطیت بدین‌سو، به دلایل حکومتی، آشفتگی پایتخت، جنگ جهانی‌اول، ناپسامانی‌های اقتصادی و جز اینها، پایتخت کشور نه تنها از جنبه کالبدی و اکولوژیک توسعه چندانی پیدا نکرده بود، بلکه به لحاظ دموگرافیک نیز جمعیت آن دارای رشد طبیعی و اجتماعی (زاد و ولد و مهاجرت) چندانی نبوده است.

جدول‌های شماره ۱ و ۲ (۱۳۰۱ خورشیدی) تحول کمی جمعیت را در تهران نشان می‌دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۱

احصائیه نفوس شهر طهران

جمع نفوس	عده نفوس														تعداد خانوار	تعداد خانه	ناحیه				
	جزء		اناث				ذکور				مجموع		تعداد خانوار	تعداد خانه				ناحیه			
	اناث	نفر	متاهله		مجرده		شیرخوارم		مامل		مجرد	شیرخوار							نفر	نفر	ناحیه
			جمع	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر											
مستعملین شبکه روزی	نفر	کلفت	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر	نفر					
۲۷۱۲	۱۲۵۸	۱۴۵۵	۲۳۳	۹۳	۱۰۲۵	۳۱۹	۵۵۲	۵۲	۱۳۶۲	۳۹۶	۸۳۹	۲۷	۶۱۲	۲۷۵	۱	ارک					
۲۲۴۲۲	۱۱۵۱۲	۱۰۹۱۱	۲۱۵۰	۱۳۳۷	۹۳۶۲	۳۸۷۸	۵۰۵۹	۳۲۵	۹۵۷۲	۳۶۱۵	۵۵۳۳	۳۲۶	۵۰۹۱	۲۴۰۶	۲	دولت					
۱۰۰۳۰	۲۸۳۹	۵۱۹۱	۸۰۵	۶۷۲	۴۰۳۳	۱۹۹۵	۱۹۳۳	۱۰۶	۴۵۱۸	۱۶۳۲	۲۷۷۸	۱۰۶	۱۸۴۵	۱۲۴۷	۳	حسن آباد					
۳۲۸۷۸	۱۶۹۷۳	۱۵۹۰۴	۱۷۴۹	۹۵۶	۱۵۱۸۰	۶۲۱۸	۸۱۸۲	۷۸۰	۱۴۹۲۸	۵۷۴۲	۸۳۰۷	۸۹۹	۷۰۷۵	۳۴۶۸	۴	سنکلیج					
۲۱۶۵۸	۱۱۲۶۲	۱۰۳۹۶	۱۰۸۰	۵۱۹	۱۰۱۸۱	۳۹۷۹	۵۶۶۶	۵۲۷	۹۸۷۷	۳۷۰۱	۵۶۶۱	۵۱۵	۳۹۶۴	۲۵۹۹	۵	قنات آباد					
۲۳۳۸۵	۱۱۴۹۵	۱۰۸۹۰	۱۹۲	۷۹	۱۱۳۰۲	۳۷۶۶	۶۰۴۹	۲۸۷	۱۰۸۱۱	۲۵۴۱	۵۷۵۵	۵۱۵	۵۹۳۶	۲۵۳۹	۶	محمديه					
۱۳۶۲۸	۷۱۳۸	۶۵۱۰	۵۰۶	۲۵۲	۶۶۲۲	۲۷۱۲	۳۷۳۶	۱۸۴	۶۲۵۷	۲۴۲۹	۳۶۰۶	۲۲۲	۳۲۵۹	۱۶۴۹	۷	قاجاریه					
۳۴۰۱۷	۱۷۱۴۹	۱۶۸۶۸	۱۳۲۰	۴۰۶	۱۵۸۲۹	۶۳۰۱	۸۵۵۸	۹۷۰	۱۶۴۶۲	۵۹۹۶	۹۵۲۰	۹۴۶	۸۲۸۰	۳۷۲۲	۸	بازار					
۳۳۳۱۸	۱۷۱۲۶	۱۶۲۷۲	۱۵۷۲	۶۱۹	۱۵۵۷۴	۶۱۱۵	۸۴۷۱	۹۸۸	۱۵۶۵۴	۵۹۶۰	۸۷۷۸	۱۰۰۵	۷۷۸۶	۳۴۶۶	۹	عودلاجان					
۳۰۸۵	۱۶۲۸	۱۴۵۷	۱۵۷	۸۱	۱۴۷۱	۳۲۶	۱۱۲۲	۲۲	۱۳۲۶	۲۵۳	۱۰۹۷	۲۶	۲۸۶	۳۷۲	۱۰	شهرنو					
۱۹۶۲۵۵	۱۰۰۳۰۱	۹۵۸۵۴	۹۸۱۱	۵۰۹۶	۹۰۵۹۰	۳۶۷۰۹	۴۹۳۲۹	۲۵۵۲۸	۳۳۳۲۷	۵۱۸۲۴	۴۶۸۷	۲۶۸۷	۲۵۱۳۳	۲۱۷۳۵		جمع					

توضیح: در جدول فوق عده افراد نظام و اعضاء سفارتخانهها و عده محبوسین و ایتام و فقراء متوقف در دارالمساکین به جمع وارد نشده علیحده سرشماری شدهاند لذا لازم است به جمع فوق علاوه شود.

جمعیت بلدی = ۱۹۶۲۵۵

علیحده سرشماری شده = ۱۳۳۴۵

جمع کل = ۲۱۰۰۰۰

جدول شماره ۲

ثقل جمعیت در شهر تهران نسبت به نواحی (محل‌های سنتی)

ناحیه	جمعیت (نفر)	مقایسه نفوس درروی هزار نفر نسبت به نواحی	سطح شهر (مترمربع)	دانسته یا ثقل جمعیت درروی ۱۰۰۰۰ مترمربع
۱	۲۷۱۳	۱۱	۴۱۶۷۰۰	۶۵
۲	۲۳۴۲۳	۱۲۱	۳۳۰۰۴۰۰	۶۸
۳	۱۰۰۳۰	۸۸	۳۲۹۶۰۴۰	۳۰
۴	۳۲۸۷۸	۱۵۷	۲۹۵۶۰۳۰	۱۱۱
۵	۲۱۶۵۸	۱۰۴	۳۱۳۵۶۰۰	۶۹
۶	۲۲۳۸۵	۱۰۷	۲۸۷۵۶۰۰	۷۸
۷	۱۳۶۴۸	۶۵	۲۰۷۴۶۰۰	۶۶
۸	۳۷۰۱۷	۱۶۳	۱۶۵۷۹۲۰	۲۰۵
۹	۳۳۴۱۸	۱۵۹	۱۵۷۴۸۰۰	۲۱۲
۱۰	۳۰۸۵	۲۵	۳۱۷۰۶۰۰	۱۰
جمع	۱۹۶۲۵۵	۱۰۰۰	۲۴۴۵۸۲۹۰	حدوسط ۸۰

بر پایه جدول بالا که تراکم جمعیت یا ثقل جمعیت (عده نفراتی که بر روی ده هزار متر مربع سکونت دارند) بر حسب محل‌های آن روزگار تهران داده شده است. محله عودلاجان (اولاجان)، یعنی قدیمی‌ترین نقطه تهران تاریخی، پرجمعیت‌ترین محله پایتخت است و با در نظر گرفتن بازار، کاملاً معلوم می‌شود که بخش اولیه تهران چگونه جمعیت زیاده‌تر (از آن میان نوجوانان و جوانان) را در برداشته است.

۳- دگرگونی‌های بوم‌شناختی و جمعیت‌شناختی

در سال ۱۲۸۴ قمری (۱۸۶۸ م)، دارالخلافه ناصری در فضای پهناوری بنا گردید. اما، پس از تراکم جمعیت در آن، دامنه سکونت به بیرون برج و بارو و خندق‌های شهر کشیده

شد. در سال ۱۳۰۸ خورشیدی، مساحت داخل خندق به $24/458/290$ مترمربع رسید (= قطر شمال به جنوب ۴۶۰۰ متر، قطر شرق به غرب ۴۷۶۰ متر و محیط شهر $20/224$ متر) و پس از ویران کردن حصار قاجاریه و از میان برداشتن دروازه‌ها و توسعه پایتخت از هرسو، در سال ۱۳۱۲ خورشیدی مساحت شهر جدید به $46/500/000$ مترمربع رسید (قطر شمال به جنوب ۷۱۵۰ متر، قطر شرق به غرب ۷۸۵۰ متر و محیط شهر ۲۵۰۰۰ متر). مساحت رو به گسترش پایتخت، تا زمامداری دکتر مصدق کم‌وبیش به صورت طبیعی باقی ماند، اما، پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خورشیدی و تشکیل کنسرسیوم نفت و استخراج‌های بعدی و بالا رفتن میزان مهاجرت به تهران در سال ۱۳۳۵ خورشیدی مساحت تهران به $50/000/000$ مترمربع و در سال ۱۳۴۵ خورشیدی به $100/000/000$ مترمربع و در سال ۱۳۵۰ خورشیدی به $215/000/000$ مترمربع و در سال ۱۳۵۵ خورشیدی به $580/000/000$ مترمربع و پس از انقلاب اسلامی در پی تشویق‌های ناآگاهانه غیرمستقیم مهاجرت به تهران، در سال ۱۳۶۵ خورشیدی مساحت پایتخت به $865/000/000$ مترمربع رسید و اینک گستره شهری از $1/000/000/000$ مترمربع گذشته است.

توسعه تهران همواره با فزونی جمعیت در تناسب کامل قرار داشته است. به طور کم‌وبیش روشن، در سال ۱۳۰۱ خورشیدی جمعیت بلدی تهران و «جمعیت علیحده» در جمع $210/000$ تن بوده‌اند که در محله‌های قدیمی و سنتی شهر زندگی می‌کردند. در همان سال، ولایت تهران دارای ۱۳ ناحیه و بلوک بود که بر روی هم ۱۲۳۰ قریه را در بر می‌گرفت و جمعیت آن را $228/450$ تن احصاء کرده‌اند و با در نظر گرفتن «جمعیت بلدی تهران»، جمعیت کل در حدود $428/450$ تن بالغ شده است و از این کمیت در حدود ۴۰٪ در دوره «شباب» (نوجوانی و جوانی) بوده‌اند.

۴- روشنگری احصائیه ۱۳۱۱ خورشیدی

نخستین سند معتبر کمی که از آن می‌توان کیفیت حیات اجتماعی و فرهنگی جوانان

را اندکی روشن‌تر دریافت کرد، احصائیه سال ۱۳۱۱ خورشیدی است. در این احصائیه نوجوانان و جوانان کشور (از ۱۵ سالگی تا ۴۰ سالگی) در حدود $\frac{1}{4}$ ٪ تخمین زده شده که در جدول سنی، جمعیت کل شهری بدین شرح قرار دارند (۳)

۱- دوره رضیع و غیرممیزه یعنی از صفر الی اول ۵ سالگی که صدی $\frac{1}{4}$ نفوس را تشکیل داده بود.

۲- دوره طفولیت یعنی از اول ۵ سالگی الی اول ۱۵ سالگی که صدی ۲۱ نفوس را تشکیل داده بود.

۳- دوره شباب یعنی از اول ۱۵ سالگی الی اول ۴۰ سالگی که صدی $\frac{1}{4}$ نفوس را تشکیل داده بود.

۴- دوره کمال یعنی از ۴۰ سالگی الی اول ۵۰ سالگی که صدی ۱۱ نفوس را تشکیل داده بود.

۵- دوره انحطاط یعنی از ۵۰ سالگی الی اول ۶۰ سالگی که صدی ۷ نفوس را تشکیل داده بود.

۶- دوره شیخوخیت و بافرتوتیت، یعنی از ۶۰ سالگی الی به + سالگی که صدی ۶ نفوس را تشکیل داده بود.

بر پایه احصائیه یاد شده، جمعیت کل تهران ۳۱۰/۱۳۹ تن بیان گردیده که ۲۴۹/۵۰۴ تن در داخل حریم شهر و ۶۰/۶۳۵ تن در خارج حریم شهر زندگی می‌کردند و همان‌گونه که یادآوری شد، از این جمعیت شهری ۱۱۳/۳۸۲ تن (۴۲٪) نوجوان و جوان بودند که جدول زیر چگونگی آن را روشن کرده است.

جدول شماره ۳

جمع	اناث				ذکور				درجات سن		
	جمع	طلاق گرفته	شوهر مرده	متاهله	دختر	جمع	طلاق داده	عیال مرده		متاهل	پسر
۲۵۵۵	۲۲۲۸	۵	۱	۵۲۱	۱۶۸۱	۲۳۵۷	-	-	۵	۲۳۵۲	بین ۱۵ الی ۱۶ سال
۲۸۵۱	۲۵۲۸	۱۲	۳	۸۷۰	۱۶۶۲	۲۲۰۳	-	-	۳۱	۲۲۷۲	" ۱۶-۱۷ "
۳۲۱۳	۲۳۲۸	۲۰	۳	۱۰۳۳	۱۲۷۲	۱۸۸۶	-	-	۳۲	۱۸۵۳	" ۱۷-۱۸ "
۳۸۳۰	۲۷۷۸	۵۰	۱۶	۱۳۷۲	۱۳۳۰	۲۰۵۲	-	-	۷۳	۱۹۷۸	" ۱۸-۱۹ "
۲۳۳۶	۱۹۶۱	۶۰	۲۳	۱۱۹۰	۶۸۷	۱۳۸۵	۱	-	۸۹	۱۲۹۵	" ۱۹-۲۰ "
۷۰۲۳	۳۸۱۸	۱۶۱	۷۹	۳۵۱۹	۱۰۵۹	۲۲۰۵	۱	-	۲۵۳	۱۹۵۰	بین ۲۰ الی ۲۱ سال
۳۹۲۹	۲۷۳۷	۸۶	۵۵	۲۰۹۱	۵۰۵	۲۱۹۲	۱	۳	۲۸۷	۱۹۰۱	" ۲۱-۲۲ "
۳۶۸۱	۲۶۹۲	۸۰	۳۶	۲۰۱۲	۵۵۳	۱۹۸۹	۳	۱	۳۷۲	۱۶۱۲	" ۲۲-۲۳ "
۳۸۰۹	۱۹۵۳	۷۹	۳۷	۱۳۳۱	۳۸۶	۱۸۵۶	۶	۵	۳۷۰	۱۴۷۵	" ۲۳-۲۴ "
۳۸۱۳	۲۶۳۰	۹۶	۶۷	۲۱۱۳	۳۶۲	۲۱۷۳	۱۲	۹	۷۹۸	۱۳۵۵	" ۲۴-۲۵ "
۲۰۵۱۶	۱۱۰۱۱	۳۳۲	۳۷۲	۹۱۳۶	۹۷۱	۹۵۰۵	۶۵	۳۷	۳۳۵۶	۳۹۳۷	بین ۲۵ الی ۲۹ سال
۲۷۳۷۷	۱۳۱۰۲	۵۰۷	۱۱۳۸	۱۰۷۹۷	۶۵۰	۱۳۲۷۵	۱۶۵	۱۲۹	۹۵۰۱	۳۳۸۰	" ۳۰-۳۴ "
۱۸۳۲۷	۷۶۹۵	۲۷۸	۱۱۰۸	۶۰۵۳	۲۵۵	۱۰۷۳۲	۱۲۲	۱۳۳	۸۶۹۲	۱۷۷۳	" ۳۵-۳۹ "

۵- موقعیت کنونی جمعیت پایتخت

پس از گذشت ۷۰ سال، با رشد شهرنشینی در ایران، جمعیت شهرستان تهران در سال ۱۳۷۵ به ۶/۷۹۴/۳۴۸ تن، یعنی تقریباً به اندازه جمعیت ایران در سالهای نخستین پایتختی خود رسید. از این جمعیت، ۳/۴۸۸/۵۱۲ تن مرد و ۳/۳۰۵/۸۳۶ تن زن، بشرح زیر پراکندگی و سکونت یافته‌اند.

- ساکنان نقاط شهری مرد ۲/۴۶۸/۹۴۶ تن، زن ۲/۲۸۹/۸۹۹ تن، جمع ۴/۷۵۸/۸۴۵ تن، (۹۹/۴۸٪)

- ساکنان نقاط روستائی مرد ۱۹/۴۲۲ تن، زن ۱۵/۹۲۳ تن، جمع ۳۵۲۵۶ تن (۰/۵۲٪)
- افراد و غیرساکن مرد ۱۳۳ تن، زن ۱۴ تن، جمع ۱۴۷ تن
- بر پایه آمار سال ۱۳۷۵ شمار نوجوانان و جوانان کشور (۱۵ تا ۴۰ ساله) به شرح زیر بوده است (۵)

مردوزن	مرد	زن	
۲۴/۵۹۸/۵۲۸	۱۲/۳۴۲/۴۹۱	۱۲/۲۵۶/۰۲۷	کل کشور
۱۵/۶۶۸/۲۸۷	۷/۹۲۰/۳۵۰	۷/۷۴۷/۹۳۷	مناطق شهری
۸/۸۵۱/۹۹۷	۴/۳۸۵/۲۵۲	۴/۴۶۶/۷۴۵	مناطق روستائی
۷۸/۲۴۴	۳۶/۸۸۹	۴۱/۳۵۵	غیرساکن

و از جمعیت تهران (۶/۷۹۴/۳۴۸ تن) شمار نوجوانان و جوانان آن به شرح زیر است:

مردوزن	مرد	زن	
۳/۰۳۱/۹۹۳	۱/۵۴۸/۸۷۹	۱/۴۸۳/۱۱۴	کل تهران
۳/۰۱۵/۰۱۹	۱/۵۳۹/۰۸۶	۱/۴۷۵/۹۳۳	مناطق شهری
۱۶/۷۵۵	۹/۶۳۸	۷/۱۱۷	مناطق روستائی
۶۹	۶۵	۴	غیرساکن

اکنون با عنایت به فزونی ساکنان شهر تهران و افزایش جمعیت در کل کشور و نیز با توجه به اینکه جمعیت نوجوان و جوان پایتخت به لحاظ کمی در سال ۱۳۷۵ تقریباً به اندازه شهرنشینان ایران در پایان دوره قاجاریه، بوده باید به بررسی امر آموزش و پرورش و سوادآموزی این گروه گسترده جمعیت فعال و توانمند که موجب تغییر شکل فرهنگی و پیدایش خواسته‌های نوظهور جامعه شده‌اند، مبادرت کرد.

۶- سیمای فرهنگی نسل جوان

آمارهای آشفته و متشتت سالهای تحصیلی ۴-۱۳۰۳ خورشیدی که کل جمعیت تهران را بیش از ۲۱۰/۰۰۰ تن، و نوجوانان و جوانان را در حدود ۱۲۰/۰۰۰ تن بیان

کرده و موقعیت فرهنگی و آموزش آن گروه عظیم (ساکنان موقت و دائم در تهران از سن ۵ سالگی به بعد) بشرح زیر ارائه داشته است.

نهاد	عدد	محصل	معلم
مکتب خانه	۱۳۰۱ باب	۲۸۹۴۹ تن	۱۵۳۵ تن (مکتبدار)
مدرسه (قدیمی)	۲۸۲	۵۹۸۴ تن (طلاب)	۳۶۴ تن (مدرس)
مدرسه ابتدایی (جدید)	۶۴۸	۵۵۹۶۰ تن (نوآموز)	آموزگار [۱۵۶۲ تن
مدرسه متوسطه	۸۴	۱۷۷۹۳ تن (دانش آموز)	دبیر
مدرسه عالی	۲	۲۷۳ تن (دانشجو)	استاد؟

بر پایه آمار فوق، ۱۰۸/۹۵۹ تن به تحصیل (قدیم و جدید) اشتغال دارند و از این رقم (با حذف مکتبخانه‌ها و مدرسه‌های ابتدایی) فقط ۲۵ هزار تن در سنین بالای ۱۵ سال مشغول تحصیل بودند.

آماري بیش و کم دقیق‌تر در سال ۱۳۱۱ خورشیدی که جمعیت تهران را در کل ۳۱۰/۱۳۹ تن و شباب آن را $۴۲\frac{۱}{۲}\%$ بیان کرده است به چند امر دیگر نیز اشاره دارد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۴
مقایسه درصدی نقرات باسواد و بی‌سواد نسبت به جنس
و به درجات سن بر پایه جدول زیر:

در روی صد نفر نسبت به درجات سن چند نفر با سواد و چند نفر بی‌سوادند		نسبت به جمع جزء				درجات سن
نسبت به جمع کل		بی‌سواد		باسواد		
بی‌سواد	باسواد	اناث	ذکور	اناث	ذکور	
%۱۰۰	-	%۱۰۰	%۱۰۰	-	-	از ۰ الی ۴ ساله
%۷۶	%۲۴	%۷۹	%۷۲/۵	%۲۱	%۲۷/۵	" ۹ " ۵ "
%۴۲/۵	%۵۶/۵	%۴۹	%۳۹	%۵۱	%۶۱	" ۱۴ " ۱۰ "
%۴۷	%۵۳	%۵۹/۵	%۳۲	%۴۰/۵	%۶۸	" ۱۹ " ۱۵ "
%۶۸	%۳۲	%۷۷/۵	%۵۶	%۲۲/۵	%۴۴	" ۲۴ " ۲۰ "
%۶۱	%۳۹	%۷۶	%۴۲/۵	%۲۴	%۵۷/۵	" ۲۹ " ۲۵ "
%۶۸/۵	%۳۱/۵	%۸۲/۵	%۵۵	%۱۷/۵	%۴۵	" ۳۴ " ۳۰ "
%۶۵/۵	%۳۴/۵	%۸۲/۵	%۵۲	%۱۷/۵	%۴۷	" ۳۹ " ۳۵ "
%۷۳	%۲۷	%۸۹/۵	%۶۱	%۱۰/۵	%۳۹	" ۴۴ " ۴۰ "
%۶۸	%۲۲	%۸۴/۵	%۵۶	%۱۵/۵	%۴۴	" ۴۹ " ۴۵ "
%۷۵/۵	%۲۴/۵	%۹۱/۵	%۶۰	%۸/۵	%۴۰	" ۵۴ " ۵۰ "
%۶۶	%۳۴	%۸۶	%۴۷/۵	%۱۴	%۵۲/۵	" ۵۹ " ۵۵ "
%۷۶/۵	%۲۳/۵	%۹۲/۵	%۵۹/۵	%۷/۵	%۴۰/۵	" ۶۴ " ۶۰ "
%۷۳	%۲۷	%۸۵/۵	%۶۲	%۱۴/۵	%۳۸	" ۶۹ " ۶۵ "
%۷۷	%۲۲	%۹۲	%۶۰	%۸	%۴۰	" ۷۴ " ۷۰ "
%۶۶	%۳۴	%۷۶	%۶۲	%۲۴	%۳۸	" ۷۹ " ۷۵ "
%۸۲	%۱۸	%۹۷	%۶۶	%۳	%۳۴	" ۸۴ " ۸۰ "
%۶۷	%۳۳	%۸۵	%۴۳	%۱۵	%۵۷	" ۸۹ " ۸۵ "
%۸۳/۵	%۱۶/۵	%۹۲/۵	%۵۹	%۶/۵	%۴۱	" ۹۴ " ۹۰ "
%۸۳	%۱۷	%۸۹	%۷۴	%۱۱	%۲۶	" ۹۹ " ۹۵ "
%۹۴	۶	%۹۷/۵	%۸۷	%۲/۵	%۱۳	۱۰۰ به بالا
%۶۹/۵	%۳۰/۵	%۷۹/۵	%۵۹/۵	%۲۰/۵	%۴۰/۵	جمع

- نقائص احتمالی در ارقام مربوط به مأخذ اصلی است جهت رعایت امانت عیناً نقل شده است.

جدول شماره ۵

مقایسه درصدی نقرات باسواد و بی‌سواد و جنسیت آنها در نواحی دهگانه

شهر بر پایه جدول زیر:

در روی صد نفر نسبت به جمعیت هر یک از نواحی دهگانه چند نفر باسواد و چند نفر بی‌سواد بوده‌اند						ناحیه	
نسبت به جمع کل		نسبت به جمع جزء					
بی‌سواد	باسواد	بی‌سواد		باسواد			
		اناث	ذکور	اناث	ذکور		
%۶۴	%۲۶	%۸۰/۵	%۵۶	%۱۹/۵	%۴۴	ارک	۱
%۶۲/۵	%۲۹/۵	%۷۲/۵	%۵۴	%۲۷/۵	%۴۶	دولت	۲
%۴۹	%۵۱	%۵۲	%۴۶	%۴۸	%۵۴	حسن‌آباد	۳
%۶۰/۵	%۳۹/۵	%۷۱/۵	%۴۹/۵	%۲۸/۵	%۵۰/۵	سنکج	۴
%۷۵	%۲۵	%۸۴/۵	%۷۴	%۱۵/۵	%۲۶	قنات‌آباد	۵
%۸۰/۵	%۱۹/۵	%۹۴	%۷۸/۵	%۶	%۲۱/۵	محمدیه	۶
%۷۷/۵	%۲۲/۵	%۸۶	%۶۸/۵	%۱۴	%۳۱/۵	شرق	۷
%۷۲	%۲۸	%۸۶/۵	%۵۹	%۱۳/۵	%۴۱	بازار	۸
%۶۴/۵	%۳۵/۵	%۷۷	%۵۱	%۲۳	%۴۹	عودلاجان	۹
%۸۶	%۱۴	۹۲/۵	%۸۱/۵	%۷/۵	%۱۸/۵	شهرنو	۱۰
%۶۹/۵	%۳۰/۵	%۷۹/۵	%۵۹/۵	%۲۰/۵	%۴۰/۵	جمع	

- نقائص احتمالی در ارقام مربوط به مأخذ اصلی است جهت رعایت امانت عیناً نقل شده است.

جدول شماره ۶

مقایسه درصدی نفرات باسواد و بی‌سواد برحسب تقدم و تاخر نواحی دهگانه شهر بر پایه جدول زیر:

اولین ناحیه که ساکنین آن از حیث سواد نسبت به سایر نقاط شهر در ردیف اول واقع شده ناحیه ۳ حسن آباد است که اهالی آن ۵۱٪ باسواد و ۴۹٪ بی‌سواد بودند.

دومین	دوم	۴ سنکلیج	۳۹٪	۶۱٪
سومین	سوم	۲ دولت	۳۷٪	۶۲٪
چهارمین	چهارم	۱ ارک	۳۶٪	۶۴٪
پنجمین	پنجم	۹ عودلاجان	۳۵٪	۶۵٪
ششمین	ششم	۸ بازار	۲۸٪	۷۲٪
هفتمین	هفتم	۵ قنات آباد	۲۵٪	۷۵٪
هشتمین	هشتم	۷ شرق	۲۲٪	۷۸٪
نهمین	نهم	۶ محمدیه	۱۹٪	۸۱٪
دهمین	دهم	۱۰ شهرنو	۱۴٪	۸۶٪

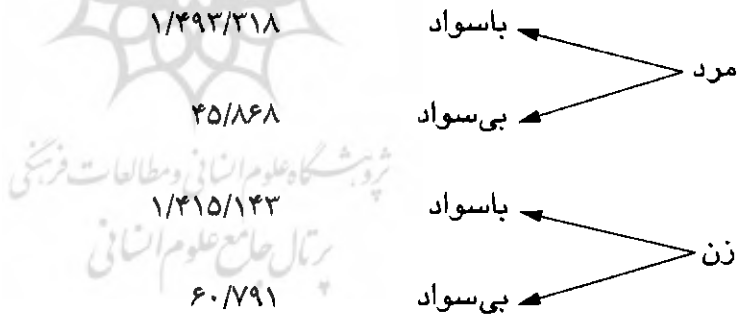
آمارگران آن روزگار که شرط داشتن سواد را خواندن و نوشتن می‌دانستند و اشخاصی که فقط قادر به خواندن بودند از رده خارج می‌کردند، در پایان استنتاجهای خود را چنین آورده‌اند:

«بین نفوس شهر تهران ذوق معارفی و تحصیل سواد از سی سال قبل الی حال رو بتزاید گذارده، چنانکه از سن بین ۵ الی ۹ سالگی که ابتدای شروع به تحصیل سواد است، عده باسواد تا آخر سال بین ۲۵ الی ۲۹ سالگی که زمان فراغت از تحصیل و درک معلومات می‌باشد رو بتزاید است و از سن ۳۰ سالگی به بالا عده باسواد رو به نقصان می‌گذارند.»

- نهضت معارفی و درک معلومات بین طبقه نسوان که تا سن ۲۹ سالگی تقریباً نصف عده باسواد ذکور را تشکیل داده بالاخره در روی جمع کل از عده ذکور در سال ۱۳۱۱ صدی چهل باسواد و صدی ۶۰ بی سواد بوده و از عده اناث صدی ۲۰ باسواد و صدی ۸۰ بی سواد بوده که در واقع نسبت به جمع کل ذکور اهالی شهر تهران در سال ۱۳۱۱ صدی ۳۱ باسواد و صدی ۶۹ بی سواد بوده‌اند.

- بطور کلی در مقابل یک مرد باسواد ۲ مرد بی سواد و در مقابل یک زن باسواد ۴ زن بی سواد قرار گرفته است. (۷)

در هفتاد سال گذشته با تزايد کمی جمعیت و مهاجرت آنان به پایتخت و برپایی دانشگاهها و دانشسراها و مدرسه‌های عالی در این شهر، موقعیت کیفی اجتماعی تهران به لحاظ امر آموزش و پرورش، به کلی دگرگون شد بطوری که در آمار ۱۳۷۵ وضع باسوادی و بیسوادی نوجوانان و جوانان این شهر (از ۱۵ ساله تا ۴۰ ساله) چنین آمده است.



و عدد دانشجویان در همین شهر ۱۶۳/۲۲۴ تن (۳۱٪ کل دانشجویان کشور) است. از این شمار که دانشجویان مدارس عالی دولتی هستند، ۱۱۱۷۲۴ تن مرد و ۵۱۵۱۰ تن زن هستند و بدین اعتبار فقط جمعیت دانشجویی تهران که در هفتاد سال پیش ۲۷۳ تن بود، اکنون به اندازه تمام جمعیت شهر تهران در آغاز سلطنت پهلوی رسیده است، به زبان دیگر یکی از شاخصه‌های چشمگیر در تاریخ اجتماعی ایران معاصر، رشد جمعیت به لحاظ کمی و دگرگونیهای اجتماعی به لحاظ کیفی است.

در دوره ناصرالدین شاه در محور کمتر از ده درصد، عدد باسوادهای تهران قرار

داشته است پس از انقلاب مشروطیت اندک اندک دگرگونی حاصل شده و در دوره نهضت ملی ایران حرکت‌های سنجیده‌تری مشهود گردیده است. و در دوره انقلاب اسلامی برنامه ریشه‌کن کردن بی‌سوادی آهنگ دیگری یافته و آخرین آمارگیری ۱۳۷۵، نشان می‌دهد که نزدیک به ۸۰٪ جمعیت کشور بالای دوره ابتدایی قرار دارند و در این گروه عظیم جمعیتی، اکثریت ممتاز جوانان کشور هستند.

بر این شمار برای روشنگری بیشتر، داده‌های زیر را هم می‌توان افزود (۸)

جمعیت در حال تحصیل در کل شهرستان تهران بر پایه آمارگیری ۱۳۷۵

کل	مرد	زن
۲/۲۳۸/۳۳۱	۱/۱۲۴/۳۷۱	۱/۰۹۳/۹۶۰
و بدون احتساب دوره ابتدایی (واجدان بیش و کم از ۱۵ سال به بالا)		
کل	مرد	زن
۱/۴۷۰/۸۶۲	۷۵۱/۷۰۷	۷۱۹/۱۵۵

داده‌هایی از همان آمارگیری جمعیت از شش سال به بالای ایران را بیش از ۵۲ میلیون بیان کرده که در محور «۲۰ میلیون» آن جمعیت نوآموز و دانش‌آموز و دانشجو است و این پدیده در تاریخ ایران بی‌نظیر شناخته شده است.

شاخصه دیگر، دگرگونی بنیادی موقعیت زنان در این امر اجتماعی - فرهنگی است در دوره‌های میانی عصر قاجار که عدد باسواد‌های جامعه درصد نازلی داشت، رقم زنان باسواد در حد «ندرت» بود. اما پس از انقلاب مشروطیت این رقم بالا رفت در دوره نهضت ملی ایران در حدود ۲۰٪ باسواد‌های جامعه را زنان تشکیل می‌دادند در دوره انقلاب اسلامی این رقم به ۲۵٪ رسید. در آمارگیری ۱۳۷۵، عدد زنان باسواد کشور توانست به ۴۶٪ یعنی اندکی کمتر از مردان برسد و بر پایه آمارهای امتحانات ورودی دانشگاهها در سال ۱۳۷۷، رقم پذیرفته‌شدگان زن در کل کشور بیش از مردان جامعه بوده است. این امر، یعنی حضور زنان جوان در پهنه فرهنگی در تاریخ ایران بی‌نظیر

بوده و از دستاوردهای بسیار مهم حرکت‌های جدید جامعه ایرانی مسلمان است.

نتیجه

بسیاری از تحلیل‌گران اجتماعی و باستان‌شناسان و مورخان در شناخت حرکت‌های جامعه، جغرافیا، نژاد و قومیت و هویت‌های برخاسته از آنها را از عامل‌های کارسان، شمرده‌اند. در دوره‌های متاخر با تعریف جدید 'طبقات اجتماعی' و نقش تولید و مناسبات تولیدی، کیفیت‌های طبقاتی و نوع تعلق افراد انسانی به آن، از عامل‌های بنیادی تحول جامعه شناخته شده و در راستای تبیین‌های دیگر، عامل‌های دینی و عقیدتی و سیاسی و شخصیتی و کاریزما نیز مورد توجه خاصی قرار گرفته است.

با در نظر گرفتن موقعیت کمی و کیفی جمعیت در ایران و جدای از درست بودن نسبی همه عامل‌های یاد شده، می‌توان دستاورد دیگری را هم که برخاسته از موقعیت‌های عینی پاره‌ای جامعه‌ها و پتانسیل کارای آنهاست، مورد توجه خاص قرار داد. این امر اجتماعی جدید که کم‌وبیش دیگران هم به آن اشاره کرده‌اند، در ایران شکل تاریخی کم‌نظیری پیدا کرده و در مرحله آزمایش‌های اجتماعی نیز کارایی و توانمندی خود را نشان داده است. این امر که یکی از وقایع مهم تاریخی در ایران معاصر شناخته شده، رشد جمعیت و تغییرات کیفی آن در کل کشور است. عامل‌های متعددی در این دوره، جمعیت شهرنشین ایران را از حد تناسب سنتی بیرون آورده و شهرهای بزرگ و پرجمعیتی را ایجاد کرده است. تهران، پایتخت کشور به عنوان مرکز تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، به گونه بی‌سابقه‌ای دارای سکونتگاه‌های مختلف و ساکنان متفاوت شده است.

از برقراری سلطنت قاجاریه، یعنی از آغاز تاریخ معاصر تاکنون، جمعیت ایران نزدیک هشت برابر گردیده و از این جمعیت رقم شهرنشینان نزدیک به ۲۰ برابر فزونی یافته است و در همین راستا خصلت‌های ناموزن شهری و دورافتاده از فرهنگ ایرانی نیز در سراسر کشور پدید آمده است.

نخستین احصائیه نسبتاً دقیق، جمعیت کل تهران را در سال ۱۳۱۱ خورشیدی در حدود ۳۱۰/۱۳۹ تن بیان کرده است که ۴۲٪ آن یعنی ۱۱۳/۳۸۲ تن نوجوان و جوان بوده‌اند. پس از گذشت ۶۴ سال که جامعه با فزونی جمعیت جوان روبرو شد، عدد نوجوانان و جوانان تهران به بیش از سه میلیون رسید که تقریباً $\frac{1}{8}$ جوانان کل کشور است، در این کمیت شمار زن و مرد با تفاوت اندک برابر هستند.

اما توسعه آموزش و پرورش در دهه‌های اخیر کیفیت حیات فرهنگی جوانان را نیز دگرگون ساخته است و نه تنها رقم مردان باسواد را افزونی داده بلکه، بطور بی سابقه‌ای با ایجاد تساوی دریافته‌های آموزشی زنان و مردان، در ریشه‌کن کردن بی‌سوادی زنان کوششهای چشمگیری به ظهور رسیده است. این امر در میان جماعت‌های شهرنشین ایران شکوهمندی بیشتری داشته است.

در تهران ۱۳۰۴ خورشیدی که همه محصلان و طلاب و دانش‌پژوهان به عنوان بخشی از نوجوانان و جوانان در حدود ۱۱۰/۰۰۰ تن بودند، اکنون رقم آنان به ۲/۳۰۰/۰۰۰ تن یعنی به بیش از بیست برابر رسیده که به اندازه همه شهرنشینان ایران در آغاز تاریخ معاصر است و توجه و علاقه‌مندی ویژه خانواده‌ها و والدین را (که اکثراً از قشرهای میانی جامعه برخاسته‌اند) به امر آموزش و پرورش فرزندان خود نشان داده است. این تحولات در سراسر کشور و در شهرهای بزرگ به ویژه تهران، کاملاً نوظهور است بطوری که بلحاظ کمی و کیفی با موقعیتهای نسلهای پیشین متفاوت است. شناخت وضع جدید و مشکلات نسل جوان و توجه خاص به پاره‌ای مفاصل اجتماعی و اخلاقی که گاه ظهور و بروز آنها، ناآرامیهای دیگری را در جامعه پدید می‌آورد، از آن میان وجود بیش از سه میلیون جوان معتاد در کشور که بیش از ۲۵۰ هزار تن آنان را قشر دانش‌آموز تشکیل داده است، همه اندیشه‌گران اجتماعی خاصه مسئولان فرهنگی و حکومتی را بر آن می‌دارد که به این پدیده اجتماعی بیااندیشند و راههای علمی و عینی و فرهنگورانه برخورد‌های تاریخی زمان را شناسایی نمایند.

نخستین گام در این راه، شناخت یافته‌های دقیق آماری در زمینه‌های مختلف اجتماعی و

فرهنگی است و در پی آن عنایت خاص علمی بر پایه روشهای «میان رشته‌ای»⁽¹⁾ و «چندرشته‌ای»⁽²⁾ به مسائل زیر است:

- شناخت گذشته تاریخی و فرهنگی ایران برای رسیدن به دریافت «هویت» اصیل ایرانی.

- شناخت وظیفه‌های فرهنگی و تربیتی در ارتباط با جوانان در گذشته و پیدا کردن عملکردهای مثبت و منفی.

- پیوند جوانی و جوانمردی (= خودسازی جوانی) با آرزوهای معقول و خلاق.
- باز کردن میدانهای جدید برای جوانان، با در نظر داشتن این امر که هر سال ۲۵۰ هزار دانش آموخته متوسطه و ۱۵۰ هزار دانش آموخته عالی فراروی جامعه است.

- باور کردن جوانان و استعداد‌های آنان و ایجاد خلاقیت و ابتکار دور از هراس در آنان و تأمل خردگرایانه در «بایدها» و «نبایدها»ی موجود در جامعه.

- فراهم آوردن میدان کوششهای اجتماعی و مشاغل جدید برای دختران و زنان و از میان برداشتن موانع ضدانسانی «ارتجاع» که از گذشته‌ها باقی مانده و توجه دادن آنان به موقعیت کنونی جامعه و میدانهای اخلاق و ابتکار.

- آشنا کردن جوانان با فرهنگ تاریخی و اسلامی ایران و شرایط جدید اجتماعی برای پذیرش بخشهای بهنجار و دوری از بخشهای نابهنجار.

به تحقیق کوششهای دیگری نیز در زمینه‌های بهداشت و کار و آموزش باید به منصفه ظهور رسد تا نسل جدید ایران، در موج جدید تاریخ ساخته کنونی بتواند خویشتن‌یابی کند و به گمان بسیاری از پژوهشگران این خویشتن‌یابی «ملی» است و پایه‌های انسانی و اسلامی دارد.

این نسل که پدیدآورنده تاریخی و اجتماعی دوم خرداد و حرکت‌های دیگر شده است باید مورد شناسایی دقیق قرار گیرد و نشان داده شود که جوانان کشور سازنده اوضاع

1- Interdisciplinary

2- Multidisciplinary

کنونی هستند و به راستی باید آنها را شناخت و پرسشهای دقیق فلسفی و اجتماعی آنان را دریافت و با فراهم آوردن شرایط ویژه مبتنی بر آزادی و امنیت و قانونهای پیشرفته و خردگرایی و شایسته سالاری در همه زمینه‌های اجتماعی، آینده ایران مستقل و پیشرو و عدالتخواه را نوید داد.

قدر وقت از شناسد دل و کاری نکند بس خجالت که از این حاصل اوقات بریم



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی